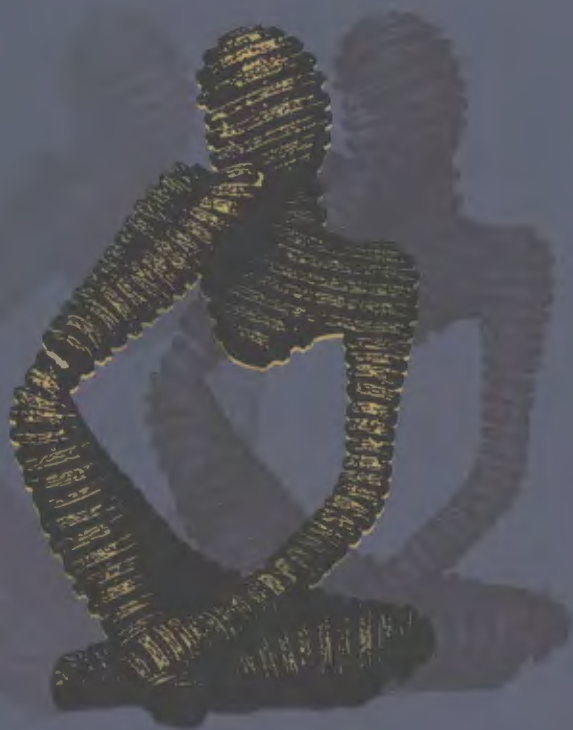


جستارهای منطقی

مجموعه مقالات

غلامرضا زکیانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: زکیانی، غلامرضا، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور: جستارهای منطقی / غلامرضا زکیانی.
مشخصات نشر: قم: مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۴۴۰ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۹-۹-۷۲۶۰۱۹-۶۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۰۱۹-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
موضوع: منطق - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع: Logic- Addresses, essays, lectures
رده‌بندی کنگره: BC۷۸
رده‌بندی دیویی: ۱۶۰
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۷۸۶۳۸
وضعیت رکورد: فیپا

© همه حقوق این اثر محفوظ است.

هر گونه تکثیر، انتشار، اقتباس و تلخیص یا ترجمه همه یا بخشی از این کتاب به هر صورت (چاپ، کیپی، صوت، تصویر، انتشار در فضای مجازی) بدون اجازه کتبی ناشر و نویسنده ممنوع است و به موجب «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» پیگرد قانونی دارد. نقل مطلب از این کتاب در حد متعارف و با ذکر منبع مجاز است.



جستارهای منطقی

مجموعه مقالات

غلامرضا زکیانی



جستارهای منطقی

مجموعه مقالات

غلامرضا زکیانی

ناشر: کتاب طه

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۶۰-۱۹-۹

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

مدیر تولید: مهدی گلزاری

صفحه آرا: اکرم صادقی - زهرا سادات موسوی فر

طراح جلد: محمد حسن امانی

چاپ و صحافی: مشعر

قم: بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، واحد ۳۱۴، انتشارات کتاب طه

دفتر انتشارات ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۴۶۲۴

دورنویس ۰۲۵ ۳۷۷ ۴۳۶۲۴

فروشگاه مرکزی (کتابسرای طه) ۰۲۵ ۳۷۸ ۴۸ ۳۲۶

📞 tahabooks ✉ ketabtaha@gmail.com 📷 ketabtaha

www.ketabtaha.com

کتابسرای طه: کتابفروشی آنلاین

ارسال به سراسر کشور

فهرست

مقدمه ۱۱

فصل اول: فلسفه منطق ریاضی

۱: تأملی در منطق ریاضی: نگرش تابع ارزشی ۲۳

مقدمه ۲۳

۱. استلزام مادی و ۲۴

۲. نقد برهان لوئیس (نحوشناسی) ۲۶

۳. اصل تناقض و کل‌گرایی ۳۳

۴. ماهیت گزاره شرطی ۳۶

۵. شرطی خلاف واقع ۳۷

۶. نقد برخی دفاعیات حامیان استلزام مادی (دلالت‌شناسی) ۳۹

۲: تأملی در منطق ریاضی: نگرش اصل موضوعی ۵۵

نظام اصل موضوعی ۵۶

لزوم تأسیس سیستم استنتاجی مستقل برای منطق ۵۷

قاعده استنتاجی مشترک ۶۰

تکثر منطق‌ها ۶۴

نگرش اصل موضوعی در منطق سنتی ۶۷

معنای بداهت قاعده وضع مقدم ۶۸

نتیجه ۶۹

۷۰..... پیوست ۱: استنتاج طبیعی

۷۱..... پیوست ۲: نظریه برهان

فصل دوم: فلسفه منطق ارسطو

۷۷..... ۳: راز بدهت شکل اول قیاس

۷۹..... اثبات قیاس‌های جزئی شکل اول

۷۹..... تعریف شکل اول

۸۳..... فرضیه مقاله

۱۰۸..... نتیجه

۱۰۹..... ۴: درآمدی بر فلسفه منطق ارسطو

۱۱۰..... لزوم بازشناسی فلسفه و منطق ارسطو

۱۱۰..... مابعدالطبیعه ارسطو

۱۱۲..... کتاب مقولات

۱۱۵..... ایساغوجی

۱۱۷..... مقولات و ایساغوجی

۱۱۹..... تحلیل اول

۱۳۲..... نتایج

۱۳۵..... ۵: اهمیت ترتیب مقدمات در قیاس ارسطویی

۱۳۶..... ضرب‌های نامستقیم

۱۳۷..... اهمیت ترتیب مقدمات

۱۳۸..... سایر ضرب‌های نامستقیم

۱۳۹..... ترتیب مقدمات نزد ابن سینا و خواجه نصیر

۱۴۰..... منشأ پیدایش ضرب‌های نامستقیم

۱۴۲..... نتیجه

۱۴۳..... ۶: تحلیل دیدگاه غزالی درباره تقابل میان منطق و امامت

۱۴۶..... غزالی و باطنیه

۱۴۷..... ضرورت استخراج موازین از قرآن

۱۴۹..... موازین قرآنی

۱۵۲..... موازین شیطانی در قرآن

۱۵۳.....	برخی مغالطات رایج باطنیه
۱۵۴.....	نتیجه
۱۵۴.....	تحلیل و نقد آرای غزالی
۱۶۱.....	نتیجه‌گیری
۱۶۳.....	۷: تأملی در متون منطق قدیم
۱۶۵.....	منطق علم است یا ابزار؟
۱۶۷.....	الجوهراالنضید فی شرح منطق التجرید
۱۷۱.....	المنطق
۱۷۴.....	روش هندسی برای استخراج معادل‌ها
۱۷۵.....	قیاس استثنایی
۱۷۹.....	نتیجه

فصل سوم: منطق و معرفت

۱۸۳.....	۸: منطق و معرفت‌شناسی
۱۸۴.....	۱. اصل تناقض
۱۸۹.....	۲. شبکه معرفت
۱۹۰.....	۳. استدلال انکاری (رفع تالی)
۱۹۳.....	۴. استدلال ایجابی (وضع مقدم)
۱۹۳.....	۵. مثال نقض
۱۹۴.....	۶. برهان و جدل
۱۹۵.....	۷. ریشه اشتراک
۲۰۵.....	۸. نتیجه‌گیری
۲۰۷.....	۹: تأملی در مقاله «نقش عوامل اجتماعی در معرفت ریاضی و منطقی»
۲۰۸.....	نکات مقدماتی
۲۱۲.....	تحلیل دلایل
۲۳۷.....	جمع‌بندی

فصل چهارم: ارزیابی و نقد

۲۴۱.....	۱۰: مبانی دینی نقد(پذیری)
----------	---------------------------

- ۲۴۱..... رویکرد این مقاله
- ۲۴۲..... حق محوری در مقابل فردمحوری
- ۲۴۳..... حق محوری در قرآن
- ۲۴۵..... موانع حق محوری در قرآن
- ۲۴۸..... مدافع حق محوری از نظر ارسطو و بیکن
- ۲۴۹..... مطلق‌گرایی، مانع حق محوری
- ۲۵۲..... حق محوری در روایات
- ۲۵۷..... آیا حق محوری مستلزم بی طرف بودن است؟
- ۲۶۰..... تفکیک در مقام نقد و داوری
- ۱۱: ارزیابی ترجمه عربی قیاس ارسطو..... ۲۶۳
- ۲۶۳..... معرفی تصحیح بدوی
- ۲۶۵..... عصر ترجمه و اهمیت آن
- ۲۶۷..... ترجمه قیاس
- ۲۶۸..... لزوم ارزیابی این ترجمه
- ۲۷۰..... لزوم ارزیابی این تصحیح
- ۲۷۲..... موارد رجحان متن عربی
- ۱۲: تأملی دیگر در هنر استدلال..... ۳۳۷
- ۳۳۸..... نقاط ضعف شکلی
- ۳۴۱..... نقاط ضعف محتوایی کتاب و پاسخ آنها
- ۳۴۵..... نقاط متنی
- ۳۵۱..... نقد ناظر به متن
- ۱۳: نقدی بر کتاب مبانی منطق و روش‌شناسی..... ۳۶۵
- ۳۶۵..... مبحث اول
- ۳۶۶..... مبحث دوم
- ۱۴: قیاس، ترجمه آقای دکتر ادیب سلطانی..... ۳۷۵
- ۱۵: آنالوطیقا، ترجمه خانم دکتر برخیده ملکی..... ۳۸۷
- ۳۸۸..... الف. اشکالات صوری
- ۳۸۹..... ب. اشکالات محتوایی

فصل پنجم: ترجمه

۱۶: نقل و نقد دلایل منکرین بدیهیات از دیدگاه فخررازی و خواجه نصیروارزیابی آنها .. ۳۹۷

۳۹۸ معرفی کتاب المحصل

۳۹۸ انگیزه خواجه برای شرح و نقد المحصل

۳۹۹ نقد و تحلیل بدیهیات در المحصل

۴۰۱ متن ترجمه: دلایل منکرین بدیهیات (دستۀ سوم)

۴۲۷ دلایل منکرین حسیات و بدیهیات

۴۳۵ نمایه

۴۳۵ نمایه اصطلاحات

۴۳۸ نمایه اعلام

مقدمه

این مجموعه شامل جستارهای منطقی است که از سال ۱۳۸۱ تاکنون در نشریات مختلف به چاپ رسیده و ظاهراً از تنوع زیادی برخوردار است ولی با توضیح ذیل می‌توان حلقه وصل آنها را رصد کرد.

سال‌ها با منطق سنتی ممارست داشتم تا در دوره کارشناسی ارشد به صورت اجمالی و در دوره دکتری به صورت تفصیلی با منطق ریاضی و به ویژه مباحث فلسفه منطق آشنا شدم؛ این امر دو ثمره در پی داشت: از یک سو سبب شد تا مبانی منطق ریاضی (و به ویژه پارادوکس‌های استلزام مادی) را به صورت جدی در رساله دکتری مورد بررسی و تحقیق قرار دهم، حاصل این تحقیق، علاوه بر رساله دکتری، تأملی در دورویکرد حاکم بر منطق ریاضی یعنی نگرش تابع ارزش و نگرش اصل موضوعی است. و از سوی دیگر، پس از آشنایی با رویکرد فلسفی به منطق، با همان رویکرد به سراغ منطق سنتی رفته، مبانی فلسفی منطق ارسطویی را در حد توان خود استخراج کردم. با این توضیح کلی، به شرح مختصر مقالات این مجموعه می‌پردازم.

مقاله (۱): تأملی در منطق ریاضی: نگرش تابع ارزش

در این مقاله ضمن تحلیل آثار استلزام مادی در دو حوزه نحو و دلالت، پارادوکس‌های آن در حوزه نحو معرفی شده و برهان لوئیس برای اثبات پارادوکس منفی (استخراج هر گزاره‌ای از تناقض) مورد بررسی قرار گرفته است. سپس ضمن تبیین اصل تناقض، نسبت آن اصل با مسائلی چون برهان خلف، کل‌گرایی کواچین و... تبیین شده است. در گام بعدی ضمن تحلیل ماهیت شرطی طبیعی نشان داده شده است که بحث شرطی‌های خلاف واقع، نگرش تابع ارزش را دچار چالش می‌کند نه شرطی طبیعی را. در انتها دفاعیات معروف حامیان استلزام مادی را نقل و نقد کرده‌ام.

مقاله (۲): تأملی در منطق ریاضی: نگرش اصل موضوعی

در این مقاله ضمن تعریف نظام اصل موضوعی با محوریت نظام فرگه، برهان کپی برای اثبات لزوم تأسیس سیستم استنتاجی مستقل برای منطق مورد تحلیل قرار گرفته است. سپس ضمن تفکیک اصل و قاعده، نشان داده شده که هر نظام اصل موضوعی دست‌کم محتاج یک قاعده (وضع مقدم) است. در گام بعدی ضمن تشریح قاعده وضع مقدم، تبیین شده که منطق به مثابه علم، اصل موضوعی است ولی منطق به مثابه عمل، همان قواعد فطری و جهان‌شمول است. در انتها برای تکمیل بحث، دو پیوست تحت عنوان استنتاج طبیعی و نظریه برهان را ذکر کرده‌ام.

مقاله (۳): راز بدهت شکل اول قیاس

شکل اول قیاس ارسطو و به ویژه ضرب باربارا از زمان پیدایش، شکل کامل و بین‌الانتاج تلقی شده است، تا حدی که منطق دانان سنتی تلاش کرده‌اند قواعد روشنی چون اصل مساوات و برهان خلف را با قیاس ارسطویی اثبات کنند. در این مقاله ضمن تحلیل قیاس ارسطویی، شکل اول، تفکیک دو سیاق ربطی و

اندراجی، صورت‌گرایی، حرکت ارسطو به سمت صورت‌گرایی، برهان افتراض و نقش ایساغوجی در صورتی‌ترشدن منطق توسط بوعلی، نشان داده‌ام که نه تنها اثبات اصل مساوات از طریق قیاس حملی ممکن نیست، بلکه خود شکل اول نیز همانند اصل مساوات، از طریق تعدی (اندراج) اثبات پذیراست.

مقاله (۴): درآمدی بر فلسفه منطق ارسطو

فلسفه منطق ریاضی نه تنها متأخر از مباحث منطقی نیست بلکه هم‌زمان و حتی گاهی مقدم بر خود مباحث منطقی مطرح شده است. ولی فلسفه منطق ارسطو تقریباً هیچ‌گاه به صورت منقح استخراج نشده است. در این مقاله، ضمن ارائه تعریف فلسفه منطق و ضرورت استخراج آن در حوزه منطق ارسطو، ابتدا به مقایسه دورساله مقولات و ایساغوجی پرداخته و نشان داده‌ام با اینکه ایساغوجی به اعتراف فرفوربوس به عنوان مقدمه مقولات نگاشته شده ولی رویکرد آن (محوریت جواهرثانیه) اساساً با رویکرد معرفت‌شناسانه مقولات (محوریت جواهراولی) متفاوت است؛ یعنی ارسطو برای تأمین بُعد معرفت‌شناختی منطق در برابر سوفسطاییان ناگزیر بود با طرح مباحث جوهر اول ارتباط بحث جواهرثانیه (کلیات خمس) را با متافیزیک (ماده و صورت) برقرار سازد. ولی فرفوربوس در مقابل سوفسطاییان نبود لذا ضرورتی برای طرح مباحث معرفت‌شناختی نمی‌دید لذا از همان آغاز مسائل مربوط به جواهراولی را حذف کرد و خواه‌ناخواه زمینه را برای امثال ابن‌سینا فراهم نمود تا با حذف کل مقولات به سمت صورت‌گرایی محض در منطق حرکت کنند. برای روشن شدن این فرضیه، به توضیح مسائلی چون مثال نقض، تقدم شکل بر قیاس و پیدایش شکل چهارم پرداخته‌ام.

مقاله (۵): اهمیت ترتیب مقدمات

قیاس ارسطویی نظر بسیاری از دانشمندان را به خود جلب کرده است. رسم رایج در میان منطق‌دانان شرقی این است که صغرا را قبل از کبرا می‌آورند و در میان

منطق دانان غربی این است که کبرا را پیش از صغرا ذکر می‌کنند. حال پرسش این است که آیا ترتیب مقدمات در نتیجه‌بخشی قیاس تأثیر دارد یا خیر؟ در این مقاله نشان داده‌ام، ترتیب مقدمات نقشی در نتیجه‌بخشی قیاس ندارد و الا تعداد قیاس‌های منتج در هر شکل افزایش می‌یابد و شاید یکی از دلایل ارسطو برای اینکه عمداً هیچ کدام از ترتیب‌های فوق را در همه قیاس‌ها رعایت نکرده همین امر باشد.

مقاله (۶): تحلیل و بررسی دیدگاه غزالی درباره تقابل امامت و منطق

غزالی برای نوشتن کتابی چون القسطاس المستقیم دو انگیزه داشت، یکی نظری و دیگری عملی. انگیزه نظری غزالی این بود که از یک سو به شدت به فلسفه ارسطویی حمله کرده و فلاسفه مسلمان را تا حد تکفیر مورد انتقاد قرار داده بود (و یکی از انتقاداتش نسبت به امثال فارابی و بوعلی این بوده که تحت تأثیر یونانیان قرار گرفته‌اند). ولی از سوی دیگر منطق ارسطویی را پذیرفته و سه کتاب معیار العلم، محک النظر و بخش منطق مقاصد الفلاسفه را در این زمینه تألیف کرده بود. حال برای اینکه خود، متهم به تأثر از یونانیان نگردد تلاش کرد در کتاب القسطاس المستقیم نشان دهد که قواعد منطق نه تنها ارسطویی نیست بلکه یونانیان این قواعد را از انبیای سلف اخذ کرده‌اند همچنان که خود وی تلاش نمود تا این قواعد را از قرآن کریم استخراج کند، پس او تحت تأثیر قرآن بوده است نه یونان.

انگیزه عملی غزالی، دفاع از اندیشه رسمی خلافت عباسی و سلطنت سلجوقی در مقابل دشمن غداری چون فاطمیان مصر و باطنیان الموت بود، وی در این کتاب تلاش می‌کند تقابل اندیشه امامت را با منطق نشان دهد و نتیجه بگیرد چون منطق بدیهی است لذا اندیشه باطنیان (لزوم رجوع به امام) مخدوش است. در این مقاله ضمن ارائه گزارشی مختصر و جامع از کتاب القسطاس المستقیم، به نقد هر دو رویکرد غزالی (استخراج قواعد منطقی از قرآن، تقابل منطق و امامت) پرداخته‌ام.

مقاله (۷): تأملی در متون منطق قدیم

در سال ۱۳۸۳ همایشی تحت عنوان «اسماء» برای بررسی متون درسی دانشگاهی از سوی پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد؛ نگارنده طی مقاله‌ای به ارزیابی آموزشی دو کتاب الجوهر النضید علامه حلی و المنطق مظفر پرداخته و نشان دادم که هر دو کتاب با وجود اینکه از برخی وجوه مثبت آموزشی برخوردار هستند ولی در این زمینه کاستی‌هایی دارند. در انتهای مقاله به یک اشکال عمومی در کلیه کتاب‌های منطق ارسطویی اشاره کرده‌ام و آن بحث قیاس استثنایی است. در این قسمت، ضمن ارائه تاریخچه پیدایش قیاس موسوم به استثنایی و نحوه نامگذاری آن، نشان داده‌ام که چگونه توسط شیخ‌الرئیس، قسیم قیاس اقتরانی قرار گرفت و اهمیت خودش را در سنت سینوی از دست داد!

مقاله (۸): منطق و معرفت‌شناسی

منطق یکی از علومی است که از سده گذشته تا امروز مورد توجه معرفت‌شناسان قرار گرفته و مبانی بنیادین آن مورد تردید واقع شده است. چنین تردیدی در ارزش معرفت‌منطقی از منظرهای مختلفی چون تجربه‌گرایی، قراردادگرایی، محیط‌گرایی و کارکردگرایی صورت گرفته است.

در این مقاله ضمن معرفی مقصود خود از منطق به نحوی که شامل هر دو منطق قدیم و جدید گردد، به شرح مختصری از اصول بنیادین آن (اصل تناقض، قاعده‌های رفع تالی، وضع مقدم و مثال نقض) پرداخته‌ام. سپس ضمن معرفی هر کدام از نگرش‌های تجربه‌گرایی، قراردادگرایی، محیط‌گرایی و کارکردگرایی به نقد و تحلیل آنها مبادرت ورزیده و نشان داده‌ام که این قبیل اشتراکات (اصل تناقض، قاعده‌های رفع تالی، وضع مقدم و مثال نقض) به صورت پیشینی و استعلایی برقرار هستند.

مقاله (۹): تأملی در مقاله «نقش عوامل اجتماعی در معرفت ریاضی و منطقی»
 آقای دکتر شهرياری در مقاله نقش عوامل اجتماعی در معرفت ریاضی و منطقی تلاش کرده تا از راه‌های مختلفی تأثیر معارف ریاضی و منطقی را از عوامل اجتماعی نشان دهد و از آنجا که اجتماع بشری می‌توانست غیر از این باشد پس قواعد منطقی نیز می‌توانستند غیر از قواعد فعلی باشند بنابراین قطعیت و فراگیر بودن این قواعد مورد تردید قرار می‌گیرد. ما نیز ضمن معرفی قواعد بنیادینی چون اصل تناقض، برهان خلف، وضع مقدم و مثال نقض نشان داده‌ایم که نه تنها این قواعد تحت تأثیر اجتماع به وجود نمی‌آیند بلکه پیدایش اجتماع و قوانین اجتماعی خود مولود وجود پیشینی این قبیل قواعد منطقی است.

مقاله (۱۰): مبانی دینی نقد (پذیری)

دوانگیزه برای نگارش این مقاله وجود داشت: یکی اینکه معمولاً نگرش دینی متهم است به اینکه ابعاد انتقادی، به ویژه در حوزه معارف دینی، در آن مورد اهتمام قرار نمی‌گیرد، و دیگر اینکه غالباً در این بحث همان بُعد نقادی مورد توجه قرار می‌گیرد و از التفات به بُعد نقدپذیری که روی دیگر سکه نقادی است غفلت می‌شود. از این رو در این مقاله، تلاش کرده‌ام با ذکر مستقیم آیات و احادیث، اهتمام ویژه معارف دینی را به هردو جهت نقادی و نقدپذیری نشان دهم.

مقاله (۱۱): ارزیابی ترجمه عربی قیاس

نهضت ترجمه در جهان اسلام مرحله بسیار مهمی است که کمتر بدان پرداخته شده است؛ زیرا از یک سو فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی بدون تعصب‌های خشک و بی‌دلیل به سمت ترجمه میراث ملت‌های متمدن حرکت کرد و از سوی دیگر دانشمندان مسلمان نیز بدون اینکه تردیدی به خود راه دهند از این ترجمه‌ها بهره بردند و دستاوردهای خود را در این علوم ارائه کردند. یکی از مهم‌ترین افرادی که آثارش ترجمه شد ارسطو و یکی از

مهم‌ترین کتاب‌های وی قیاس بود چون بیشترین تأثیر را در منطق جهان اسلام به دنبال داشت. نگارنده در این مقاله تلاش کرده تا ترجمه عربی متن قیاس را با متن یونانی و ترجمه‌های معتبر انگلیسی و فارسی دوره معاصر تطبیق کرده و گزارشی ارائه دهد. آنچه در این تطبیق به چشم می‌خورد این است که مترجمین بیت‌الحکمة از دقت، وسواس و وجدان علمی زائد‌الوصفی در وظیفه‌ای که به عهده گرفته بودند برخوردار بودند.

مقاله (۱۲): تأملی دیگر در هنر استدلال

نگارنده که به کاستی‌های هر دو منطق ارسطویی و ریاضی در جهت ایجاد مهارت‌های منطقی در فراگیران پی برده در صدد رفع این کاستی‌ها برآمد و ضمن معرفی روزآمد بخش استدلالی هر دو منطق در کتاب هنر استدلال، فصل سوم آن کتاب را به قواعد شهودی استدلال اختصاص داد (۱۳۸۶). آقای دکتر محمدزاده نقدی بر آن کتاب منتشر کرد (۱۳۸۷) و نگارنده نیز در پاسخ آن نقد، مقاله «تأملی دیگر در هنر استدلال» را به چاپ رسانید (۱۳۸۹) که در این مجموعه بازنشر شده است.

مقاله (۱۳): نقدی بر کتاب مبانی منطق و روش‌شناسی

کتاب مبانی منطق و روش‌شناسی توسط دکتر نبوی در سال ۱۳۸۳ راهی بازار نشر شد. از امتیازات این کتاب می‌توان به اشراف مؤلف محترم به هر دو جهت منطق و روش‌شناسی از یک سو و پرداختن به ابعاد عمومی منطق و روش‌شناسی در یک کتاب از سوی دیگر اشاره کرد. انصافاً جای چنین کتابی خالی بود تا دانشجویان در رشته‌ها و مقاطع مختلف تحصیلی بتوانند با مباحث عمومی هر دو زمینه منطق و روش‌شناسی آشنا شوند. از این رو نگارنده برای تکمیل و اصلاح پاره‌ای کاستی‌ها به ویژه در بخش منطق به طرح نکاتی در مورد اقسام منفصله، جایگزینی قواعد استنتاج به جای جداول ارزش و توضیح برخی مثال‌ها در توجیه قواعد استنتاج پرداخته است.

مقاله (۱۵): نقد آنالوژیکای پرخیده ملکی

خانم پرخیده ملکی که خطابهٔ ارسطورا به عنوان رسالهٔ دکتری زیر نظر استاد راهنمای خود دکتر کینیوی به فارسی ترجمه نموده، به ترجمه آنالوژیکای اول و دوم نیز مبادرت ورزیده و تحت همین عنوان به چاپ رسانده است. ما در ضمن ترجمهٔ فارسی قیاس، متوجه انتشار این اثر شدیم و با هزاران امید آن را تهیه و مطالعه کردیم ولی خیلی زود امیدمان به یأس تبدیل شد چون در همان صفحات نخست متوجه شدیم که نه تنها اشکالات ترجمه‌های موجود برطرف نشده بلکه سهل‌انگاری‌های فراوانی در این اثر راه یافته است. از این رو تلاش کردیم پاره‌ای از این سهل‌انگاری‌ها را در این مقاله نشان دهیم.

نحوه ارجاعات

همه منابع در انتهای کتاب به ترتیب حروف الفبا چیده شده و برای هر کدام یک شماره اختصاص داده شده است. بنابراین در ارجاع (۵، ص ۳۹۸)، شماره ۵ نشان‌گر پنجمین منبع یعنی ابن سینا، الاشارات والتنبیها، تحقیق سلیمان دنیا است و شماره ۳۹۸ نشان‌گر صفحهٔ مربوط در آن منبع می‌باشد. ضمناً در مورد نهج البلاغه به علت اهمیت منبع از یک سو، اختلاف نسخه‌ها از سوی دیگر و در دسترس نبودن احتمالی ترجمهٔ مورد استناد این کتاب از سوی سوم، افزون بر روش پیش‌گفته، به دسته‌بندی مرسوم خطبه‌ها (خ)، نامه‌ها (ن) و حکمت‌ها (ح) نیز اشاره شده است.

ضمناً علت انتخاب این شیوه برای ارجاع‌دهی این است که اولاً در مجلات معتبر بین‌المللی مانند *Notre Dame Journal of Formal Logic* و نیز برخی کتاب‌های داخلی مانند درآمدی به منطق جدید دکتر ضیاء موحد از این روش پیروی شده است، ثانیاً این شیوه امتیازاتی دارد از جمله: نسبت به روش‌های موجود کوتاه‌تر است؛ اگر از یک منبع به صورت متوالی و با چند صفحه فاصله

استفاده شده باشد لازم نیست از اصطلاحاتی چون همان یا ibid بهره بگیریم بلکه در همه موارد به شماره منبع ارجاع می‌دهیم؛ اگر از یک نویسنده دو اثر در یک سال منتشر شده و ما به هر دو اثر ارجاع داده باشیم لازم نیست یکی را با الف و دیگری را با ب نشان دهیم چون برای هر کدام شماره مستقلی اختصاص یافته است. با نوشتن نام نویسنده در آغاز مطلب، نیازی به ذکر نام وی در ارجاع نخواهد بود.

ارجاع بکر

در مورد ارجاع به آثار ارسطو از روش بکر استفاده شده است زیرا این روش جهانی بوده و همگان با آن آشنا هستند. بکر آلمانی کلیه آثار موجود ارسطو را در یک مجموعه گردآوری و صفحه بندی کرد به نحوی که در هر صفحه دو ستون (a و b) و هر ستون دارای ۴۱ سطر بود. بنابراین ارجاع 28^b32 بدین معنی است که آن مطلب در سطر ۲۸، ستون b، صفحه ۳۲ ذکر شده است. از آنجا که نحوه ارجاع‌دهی بکر قبول جهانی یافته، ما هم در این مجموعه از این روش ارجاع‌دهی پیروی کرده‌ایم.

در انتها از جناب آقای صالحی مدیر محترم انتشارات کتاب طه که زمینه انتشار این مجموعه را فراهم ساختند سپاسگزاری می‌کنم.